



نگاهی به پیام فرمانده معظم کل قوا به مناسبت هفته انتظامی

کوتاه نیامدند



سرمقاله

در گوشه و کنار کشور را نشنویم. مردانی که در مقابل دشمن متجاوز خارجی، تروریست ها، ارادل و اوباش، سارقان و قاچاقچیان و هر کس که امنیت مردم و کشور را خدشه دار می کند، تا پای جان می ایستند و حتی «ممکن است خیلی از اوقات زحمات و فداکاری های حافظان امنیت، نزد برخی افراد عادی انگاری شود».

میزان این قدردانی، نسبتی مستقیم با اهمیت و گستردگی فعالیت و مأموریت آنان باید داشته باشد؛ «امنیت، از مهمترین نعمات الهی است و برقراری آن در نقاط مختلف ایران عزیز، از شهرهای بزرگ تا جزئی ترین واحدهای جمعیتی در روستاها و محله ها، از مرزبانی های سخت در شرایط دشوار آب و هوایی و اقلیم های متنوع کوهستان ها تا دریاها، از دشت ها و جنگل ها تا مرکزی ترین نقاط کشور، مرهون رشادت و شجاعت نیروهای فداکار و زحمتکش فراجا به عنوان یکی از ستون های مستحکم امنیت کشور است.»

میدان جنگ، بی شک دست از خباثت و توطئه نخواهد کشید و فراجا در مقابله با خباثت های جدید دشمنان ایران، نقشی جدی دارد. از همین رو، ارتقای سطح کمی و کیفی آمادگی در همه ابعاد این نیرو، موضوعی اجتناب ناپذیر است. به همین دلیل است که حضرت آیت الله العظمی سیدمجتبی خامنه ای در پیام خود تأکید می کنند: «تقویت همه جانبه نیروهای حافظ امنیت از جنبه های مختلف انسانی، سخت افزاری و نرم افزاری خصوصاً ارتقاء فتاوری ها از جمله استفاده هدفمند از هوش مصنوعی در تحلیل داده ها نقش مهمی در کیفیت و تسهیل انجام مأموریت های فراجا دارد.» و بالاخره اینکه همگان باید قدردان این حافظان امنیت باشند، چرا که بدون امنیت، هیچ هدف و دستاورد دیگری قابل تحقق نیست و از همین روست که دشمن امنیت کشور را نشانه رفته است. تقریباً کمتر روزی است که خبر شهادت یکی از نیروهای فراجا

گرفته بودند؛ در کودتای دی ماه ۱۴۰۴ یکی از اهداف اصلی کودتاگران بودند، چرا که می دانستند موفقیت کودتا وابسته به ازمه گسیختن شالوده نظم و امنیت در جامعه است. اما نه جنایت های شنیع کودتاگران دی ماه. از مثله کردن گرفته تا زنده زنده سوزاندن. و نه بمباران های شدید و مدام اربابان آنها در دوره جنگ، نتوانست رخنه ای در دژ محکم این حافظان امنیت کشور ایجاد کند. به قول رهبر معظم انقلاب اسلامی، در جنگ های تحمیلی دوم و سوم، «تلاش مذبحخانه و ضربات خباثت آلود به ارکان نظم و امنیت جامعه که مشابهی برای آن در طول تاریخ موجود نیست، باعث نشد تا نیروهای شجاع فراجا دژه ای از مأموریت خود کوتاه بیایند و حتی در خیابان ها و خودروها، همان نقش و وظایفی که در آمکنه و مقرهای خود ایفا می کردند را به انجام رسانند.» دشمن علی رغم خوردن سیلی های سنگین و شکست در

فهم دقیق تر و عمیق رشادت و مقاومت نیروهای فراجا در جنگ اخیر، وقتی امکان پذیر است که بدانیم طرح و نقشه واقعی دشمن چه بود. دشمن آمریکایی- صهیونی، بر اساس محاسبات خود، در صدد آن بود که تهاجم سنگین هوایی را مقدمه آشوب گسترده داخلی کند. طبق این طراحی، قرار بود آمریکا و رژیم اسرائیل از آسمان و پیاده نظام آنان روی زمین، اقدام کرده و با فلج کردن و از کار انداختن مراکز اصلی قدرت در کشورمان، زمینه را برای تحقق آرزوی ۴۷ ساله برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران فراهم سازند.

از همین رو، علاوه بر تلاش برای ترور فرماندهان فراجا، حمله به مقرهای انتظامی و به خصوص کلانتری ها از نخستین روزهای جنگ در دستور کار دشمن بود و بسیاری از کلانتری ها در شهرهای مختلف کشور، به خصوص در تهران و شهرهای بزرگ، مورد تهاجم واقع شدند. کلانتری ها پیش از این نیز مورد حمله قرار

جنگ ایران و افشای ضعف آمریکا

جنگ آمریکا علیه ایران قرار بود نمایش قدرت واشنگتن باشد؛ اما حالا حتی برخی رسانه های اصلی آمریکایی نیز از شکست فاحش سخن می گویند. آنچه قرار بود قدرت نظامی آمریکا را به رخ بکشد، به فرصتی برای آشکار شدن محدودیت های این قدرت تبدیل شده است.

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی نوشته است که جنگ با ایران، نقاط ضعف نظامی آمریکا را آشکار کرد و واشنگتن را واداشت نیروهای خود را از برخی پایگاه هاایش در منطقه و حتی انگلیس خارج کند. این روزنامه تأکید کرده است که عقب نشینی های سریع آمریکا، برای ایران و دیگر رقبای واشنگتن یک پیام مهم داشت: حتی یک آمریکا نیز ممکن است در شرایطی مجبور به عقب نشینی شود.

اهمیت این روایت فقط در جابه جایی چند نیرو یا تخلیه چند پایگاه نیست، مسئله مهم تر، تغییری است که در برداشت رقبا از قدرت آمریکا ایجاد می شود. بخش مهمی از نفوذ واشنگتن در جهان، به این تصور وابسته است که آمریکا توان حضور، مداخله و حفظ نیروهای خود را در نقاط مختلف دارد. اگر یک جنگ این تصور را تضعیف کند، پیامد آن می تواند فراتر از میدان نبرد باشد.

به همین دلیل، نتیجه این جنگ را نباید فقط با تعداد حملات یا خسارت های نظامی سنجید. یکی از مهم ترین پیامدهای آن، بازتعریف حدود قدرت آمریکا در ذهن رقبایش است؛ همان «عواقب ناخواسته ای» که نیویورک تایمز از آن سخن می گوید.

آسیب شدید به هواپیما در فرودگاه ریاض در اثر حملات انصار الله یمن

در پی حمله موشکی انصار الله یمن به فرودگاه ملک خالد ریاض، دست کم یک هواپیما به شدت آسیب دید و نزدیک به نیمی از پروازهای خروجی این فرودگاه لغو شد.

انصار الله یمن اعلام کرد این حملات در چارچوب پاسخ مستمر به حملات عربستان و هدف قرار دادن مستقیم زیرساخت ها و اماکن غیرنظامی در استان های صنعا، صعده، تعز، حجه و مارب و همچنین درواکنش به محاصره تحمیلی علیه یمن انجام می شود.



عملیات طوفان الاقصی نقشه آمریکا برای غرب آسیا را باطل کرد

«عملیات طوفان الاقصی پاسخ به یک نیاز بزرگ منطقه بود. این عملیات یک ضربه ی تعیین کننده ای به رژیم صهیونیست بود؛ ضربه ای که هیچ علاجی برای آن وجود ندارد، و رژیم صهیونیست بر اثر این ضربه دچار ابتلائاتی شده است که از این ابتلائات نجات پیدا نخواهد کرد. عملیات طوفان الاقصی دقیقاً در لحظه ی نیاز منطقه اتفاق افتاد، توضیحش این است که یک نقشه ی جامع و وسیعی به وسیله ی آمریکا و عناصر صهیونیست و دنباله های آنها و بعضی از دولتهای منطقه طراحی شده بود که بر اساس این نقشه ی جامع قرار بود مناسبات و معادلات منطقه تغییر پیدا کند. ارتباط رژیم صهیونیستی با دولتهای منطقه طبق خواسته ی خود آن رژیم تنظیم بشود و معنایش تسلط رژیم صهیونیستی بر سیاست و اقتصاد کل منطقه ی غرب آسیا بلکه کل دنیای اسلام بود؛ یک برنامه ی وسیعی را طراحی کرده بودند که این نتیجه اش بود. این برنامه را با مقدمات زیادی پیش برده بودند؛ آمریکا پشت سر این برنامه بود، انگلیس پشت سر این برنامه بودند، بعضی از دولتهای منطقه با جدیت در این برنامه همکاری میکردند؛ این برنامه به لحظه های پایانی خودش رسیده بود؛ یعنی چیزی نمانده بود که این برنامه و نقشه ی بلندمدت به مرحله ی اجرای عملی برسد. در یک چنین لحظه ی حساسی حمله ی طوفان الاقصی آغاز شد و همه ی نقشه های دشمن را بر باد داد.» ۱۴۰۳/۰۳/۱۴